



# پیامبران

## وتحمل اذیت‌ها و اهانته‌ها



آیه الله بنی فضل

در جامعه بشری، هر انسانی در راه رسیدن به هدف، ناچار رنج و مشقت را تحمل نموده و با ناملازمات مواجه می‌گردد. در صورتی که هدف انسان، رهبری و اصلاح و هدایت جامعه باشد، بدون شک افراد قدرت طلب منافع مادی خود را در خطر دیده و بهر وسیله ممکن علیه او قیام نموده و در رسیدن او به هدف عالی خویش، ایجاد مانع خواهند کرد. پیامبران خدا در این راه بیش از همه رنج و مشقت را متحمل و با انواع اهانته‌ها و ایذاءها مواجه گشته‌اند؛ خصوصاً پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله که حبیب خدا و اشرف کائنات است.

نقل شده که خداوند در باره‌اش فرمود: «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاقَ» پیامبر! اگر تو در عالم وجود هستی نبود، چیزی از افلاک، کرات، کهکشانها و سایر موجودات عالم طبیعت و ماوراء طبیعت را خلق نمی‌کردم. همه موجودات را بخاطر تو آفریده‌ام. با این وصف، گاهی در اثر اهانت‌ها و آزار و اذیت قوم کافر و نادان

آنقدر محزون می‌گشت که خداوند سبحان به آن بزرگوار تسلی خاطر و دل‌داری داده و به صبر و شکیبائی امر فرموده است. و با وجود آن همه معجزات و بی‌الاتر از همه قرآن<sup>۱</sup>، پیامبر اکرم «ص» را مثل سایر پیامبران الهی تکذیب نمودند و نسبت‌های ناروایی به آن حضرت داده، گاهی گفتند: تو عقل نداری و دیوانه هستی!! و گاهی گفتند: تو جادوگر و ساحر می‌باشی!! بسا گفتند: تو شاعر و سجع و قافیه گو می‌باشی!! و گاهی گفتند: تو کذاب<sup>۲</sup> و از دروغگویان هستی!! و همچنین ائمه معصومین علیهم الصلاة والسلام در راه رسیدن به هدف، در مقابل تمام ناملازمات و نسبت‌های ناروا که به آنان داده‌اند، تحمل و صبر کرده‌اند.

و بالاترین رنج بر رهبران مذهبی، عبارت است از اینکه افراد پست و دون و اراذل و او باش از طرف جنایتکاران روزگار تقویت شده، در برابر آنان قد علم نموده، به اهانت و اذیت آنان بپردازند. و هم‌اکنون در دوران ما تاریخ تکرار

شده است:

ابرجنایتکاران غرب و شرق از صدور انقلاب اسلامی به اقصی نقاط جهان، نگران و وحشت زده هستند و به طور مستقیم و غیرمستقیم، صدام کافر را با سلاح‌های مدرن و پیچیده تقویت کرده و در برابر جمهوری اسلامی قرار دادند. و بحمد الله با استقامت ملت غیور ایران، صدام دون لعن‌طقت آخر زندگی ننگین خود را سپری می‌کند و حامیان شرق و غرب او مأیوس و ناامید شده‌اند.

اکنون می‌پردازیم به ذکر آیاتی چند از قرآن مجید تا ملاحظه شود افراد بی‌خبر از خدا و عوام کالانعام با رهبران منصوب از ناحیه خداوند، چه معامله‌ای کرده‌اند:

۱- «فَإِنْهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَتَحَدَّثُونَ. وَأَلْفَ كَذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبِرُوا عَلَىٰ مَا كَذَّبُوا وَأَوَدُّوا عَنِّي آيَاتِهِمْ نَهْرًا...» (۳۴-۳۵ سوره انعام)

بعد از آنکه پیامبر اسلام «ص» بر حقایق دعوتش، حجت اقامه نمود و کفار



او را تکذیب کردند، خداوند سبحان به آن بزرگوار دلداری و تسلی می دهد و می فرماید: «ای محمد! ما می دانیم که گفتار کفار و نسبتهای ناروای آنان (از قبیل شاعر، مجنون، کذاب و امثال ذلك) ترا غمناک می کنند. بدانکه آنان ترا تکذیب نمی کنند بلکه آیات خدا را انکار می کنند. (سپس تسلی بیشتر به حضرت می دهد و می فرماید) تکذیب و نسبتهای ناروایی که به تو می دهند، اختصاص به تو ندارد بلکه انبیاء پیشین هم تکذیب شده اند و آنان در برابر تکذیب و آزار واذیت، صبر و تحمل کرده اند تا نصرت و یاری ما به آنان رسید.

۲ - «لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْتَمَيْنَا إِلَيْهِمْ زُبُلًا كَلِمًا جَاهِلُهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ» (سوره مائده ۷۰)

از بنی اسرائیل عهد و پیمان گرفتیم موحد باشند و باحکام شریعت عمل بکنند و بسوی آنان پیامبرانی فرستادیم و از آنجا که پیامبران طبق هوای نفس آنان حرکت نمی کردند عده ای از آنان را تکذیب نمودند و عده دیگری را کشتند.

۳ - «الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ إِتْنَا آلَا نُؤْمِنُ لِرَسُولٍ عَشَى بِنَاتِنَا بَرُ بَان تَا كَلَّمَا التَّارُ فُلن قَدْ جَانِكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِ بَالِئَاتٍ وَبَالِدَى فَلْتَمَّ قَلِيمٌ فَسَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. فَإِنْ كَذَّبْتُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكُمْ جَانُوا بَالِئَاتٍ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْقُسْبِيرِ» (سوره آل عمران ۱۸۴)

جماعتی از یهود به پیامبر اسلام «ص» گفتند: خداوند بما دستور داده کسی را به پیامبری نپذیریم مگر با یک شرط و آن اینکه از طرف خداوند چیزی از برت و صدقه که علامت تقرب او بخدا باشد برای ما بیاورد و از آسمان آتش نازل شود و آن چیز را بخورد تا تصدیقش کنیم. پیامبر! با آنان بگو: پیش از من پیامبران خدا با بیئات و همان شرط آمدند اگر راست میگویند پس چرا آنان را کشتید؟! پیامبر! اگر اینان ترا تکذیب میکنند ناراحت مباش؛ انبیاء پیشین هم با آن همه بیئات و معجزات و کتب آسمانی تکذیب شده اند.

۴ - «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَ قَالُوا مَجْشُوكٌ وَأَزْجَارٌ» (سوره قن ۹)

مردم وقتیکه از پیامبر اسلام «ص» آیه و معجزه ای میدیدند از آن اعراض نموده میگفتند سحر همیشه است! آیات الهی را تکذیب نموده تابع هوای نفس میشدند. خداوند به پیامبر اکرم «ص» دلداری داده چنین میفرماید: «پیش از اینان قوم نوح هم بنده ما نوح را تکذیب نموده در باره او گفتند: دیوانه و منسوب بارتکاب قبایح است.

۵ - «ثُمَّ أَرْسَلْنَا نُشْنَا تَرَى كَلِمًا جَاءَ آفَةً زَمُولَهَا كَذَّبُوهُ... ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَآلِهَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ. إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَلَاهُ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا غَالِبِينَ. قَالُوا آلُؤْمِنُ يُبَشِّرُنُن مِنَّنَا وَنَقُوْنُهُمَا لَنَا غَابِدُونَ. فَكَذَّبُوْهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ» (سوره مؤنون ۴۸)

پیامبران را پشت سر هم بی دربی فرستادیم و بر هر اثنی پیامبری می آمد او را تکذیب میکردند سپس موسی و برادرش هارون را با نشانه هایی از طرف خودمان (مثل عصای موسی که سحر تمامی جادوگران را درهم پیچیده و هر چه مار و اژدها درست کرده بودند همه را بلعید) و با برهان و دلیل ظاهر بسوی فرعون و اشراف قومش فرستادیم، آنان استکبار نموده گفتند: آیا صحیح است ما ایمان بیاوریم برای دو نفر که مثل ما بشر هستند در حالیکه قوم آن دو نفر (موسی و هارون) ما را ستایش میکنند؟ و آن دو را تکذیب نموده و هلاک شدند.

۶ - «وَإِذْ أَنْتَلَى عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَنْ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ أَلَيْسَ لَكُمْ عِلْمٌ بِمَا يُكَذِّبُ الْكَاذِبِينَ» (سوره هود ۶۱)

موقعیکه بز آنان علامات روشن الهی تلاوت شد گفتند این (پیامبر «ص») مردی است میخواهد شما را بازدارد از آنچه که پدرانشان بآن پرستش مینمودند و گفتار او دروغ و افتراء است و کافران در باره حق

(وحی الهی) گفتند: سحر آشکار است.

۷ - «بَلْ قَالُوا أَضَلَّتْ أَصْحَابُ بَنِي إِسْرَائِيلَ بَنِي هُوشَاعِيرُ» (سوره انباء ۵)

در باره وحی الهی گفتند خوابهای آشفته است بلکه مدعی آن دروغگو بلکه شاعر و سجع و قافیه گو میباشد.

۸ - «إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ. وَيَقُولُونَ إِنَّا نَارُ كُوا الْهِنَا لِشَاعِيرِ قَبْلُونُ» (سوره صافات ۳۶)

هرگاه کفار به یکتاپرستی دعوت میشدند آنان کبر و رزیده و گفتند: آیا ما بخاطر این شاعر دیوانه! (پیامبر خدا) از بنهای مورد پرستش خود دست برداریم؟

۹ - «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْشُوكٌ» (سوره دخان ۱۴)

از پیامبر اعراض نموده گفتند او دیوانه تعلیم داده شده است.

۱۰ - «وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُنَّمُ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ. كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْتَنِبٌ» (سوره ذاریات ۵۲)

پیامبران به کفار میگفتند با خدای یکتا شریک قرار ندهید شمارا از تبعات و شر شرک قرار دادن بر حذر میداریم و در باره هر پیامبری که قبل از آنان آمده بود جادوگری یا دیوانه گفتند.

۱۱ - «فَقَالِ السَّمَلَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً سَاطِعًا يَهْدِيكُمْ فِي الْأَبْتَابِ الْأُولِينَ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ» (سوره مؤنون ۲۵)

اشراف کفار از قوم نوح گفتند نوح که ادعای نبوت میکند مثل ما بشر است میخواهد بر ما اعمال برتری بنماید؛ اگر خداوند اراده میکرد بر ما ملانکه میفرستاد نه بشر ما از آباء و اجدادمان نشنیده ایم که خداوند از بشر رسول قرار بدهد! نوح نیست مگر مردی جن زده!!

۱۲ - «وَتَعْجَبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ» (سوره ص ۱)

قوم انبیاء تعجب میکردند از اینکه بشری از خودشان از طرف خداوند بیاید و آنان را



انذار کند و کافران می‌گفتند: این جادوگر و دروغ پیشه است.

۱۳ - «فَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنُرِيكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُفَكِّكُ مِنَ الْكَافِرِينَ» (سوره اعراف)

اشراف کفار از قوم هود باو گفتند ما ترا در سفاقت می‌بینیم و اعتقاد داریم تو از دروغگویان هستی!

۱۴ - «وَمَا ضَاجِبُكُمْ يَتَجَبَّوْنَ» (سوره تکوین)

پیامبر اسلام «ص» از اوصاف روز قیامت خیر میداد کفار می‌گفتند او دیوانه است. خداوند میفرماید «مصاحب شما مجنون نیست» آنچه را که خیر میدهد گفتار پیامبر بزرگوار و با منزلت پیش خداوند و مطاع و امین است.

۱۵ - «مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (سوره الحجر)

نمی‌آمد پیامبری بر قوم کفار مگر اینکه او را بیاد مسخره می‌گرفتند.

۱۶ - «وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِتَّخَذُوا الْإِيمَانَ كَهُزْلٍ خِطَبَاتٍ» (سوره کافران هر موقع با تو روبرو شدند نشانه‌ها و پیامبران مرا بمسخره گرفتند.)

۱۷ - «وَإِذَا رَأَوْكَ إِذْ تَبْتَغِيهِمْ أَتَى الْكُفْرَ الْأَعْتَقَ» (سوره کهف)

آهنگی که از سوی تو می‌آید آن‌ها را از کفر آزاد می‌کند.

۱۸ - «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَصْخَبُونَ لَهُ» (سوره فرقان)

خطاب به پیامبر اسلام «ص» است: چون ترا ببینند مسخره نموده و می‌گویند این است کسی که خدا بعنوان پیامبر مبعوث نموده که نزدیک است ما را گمراه و از معبودهایمان برگرداند!!

۱۹ - «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَصْخَبُونَ لَهُ» (سوره توبه)

از کفار کسانی هستند که پیامبر اکرم «ص» را می‌رنجانند و می‌گویند او گوش است هر که هر چه می‌گوید باور میکند.

۲۰ - «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَصْخَبُونَ لَهُ» (سوره احزاب)

ای مؤمنین شما مثل قوم موسی نباشید

که او را اذیت میکردند خداوند تیرنه نمود او را از نسبت‌هایی که باو میدادند. موسی نسبت میدادند که برادرش هارون را کشته و از آنجا که موسی «ع» در اثر حجب و حیا در ملا عام حتماً نی‌گفتند: لابد مرض جلدی (برص) دارد! این نسبت را باو میدادند تا مردم از او متنفر شوند و کساره گیری کنند. تا آنجا که هارون به یک زن بدکاره اجرت داد تا اینکه در ملا عام اظهار نماید که موسی با او زنا کرده!! خداوند در همه مراحل از موسی «ع» حمایت و او را از نسبت‌های ناروا که باو میدادند تیرنه نمود.

در اینجا مناسب است به ترجمه و تفسیر چند آیه از سوره فرقان پردازیم تا نمونه‌ای دیگر از ناملایمات و اهانت‌هایی که به پیامبر اسلام «ص» در راه رسیدن به هدف الهی و ارشاد و اصلاح جامعه بشری با آن مواجه شده روشن شود و بعضی از جوانان ناآگاه و ساده اندیش و گوی از خدا بیخبران و امثال پاریس نشینان را نخورند و بنصایح مسئولین جمهوری اسلامی خصوصاً به رهنمودهای پیامبرگونه حضرت امام خمینی مدظله العالی دقت نموده و تا فرصت فوت نشده باغوش اسلام که ضامن سعادت دنیا و آخرت است باز گردند:

«وَيَوْمَ يَقُصُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بِمَا كَسَبَتْ» (سوره فرقان)

آن روز گناهکاران در برابر خودشان قصه خواهند کرد از آنکه در راه رسیدن به هدف الهی و اصلاح جامعه بشری با آن مواجه شده روشن شود و بعضی از جوانان ناآگاه و ساده اندیش و گوی از خدا بیخبران و امثال پاریس نشینان را نخورند و بنصایح مسئولین جمهوری اسلامی خصوصاً به رهنمودهای پیامبرگونه حضرت امام خمینی مدظله العالی دقت نموده و تا فرصت فوت نشده باغوش اسلام که ضامن سعادت دنیا و آخرت است باز گردند:

روز قیامت ظالم دو دست خود را بدندان می‌گیرد و می‌گوید ای کاش با رسول خدا همراه و هم مسلک بودم. ای وای بر من ای کاش که فلان شخص (که مرا گمراه نموده) را دوست خود قرار نمیدادم که مرا از ذکر خدا گمراه نمود بعد از آنکه حجت بر من تمام بود. شیطان انسان را فرو گذارنده است. پیامبر خدا گفت خدایا قوم من این قرآن را کنار گذاشتند.

در تفسیر این آیات از ابن عباس نقل شده: عقبه ابن ابی معیط و ابن بن خلف دو رفیق قسم خورده از کفار بودند. عقبه هر موقع از سفر مراجعت مینمود غذا تهیه نموده اشراف قوم خود را دعوت میکرد. روزی پیامبر اکرم «ص» را هم دعوت کرد. پیامبر اکرم «ص» بعقبه فرمود تا شهادت بتوحید و نبوت ندهی غذا میل نمیکنم. عقبه شهادتین را گفت و این جریان به ابن بن خلف رسید. او بعقبه گفت: از آئین بت پرستی خارج و داخل در دین اسلام شدی؟! عقبه گفت: بخدا سوگند در دین اسلام داخل نشدم بلکه حیا و ادبم نمود شهادتین گفتم تا محنت غذا نخورده از منزلت خارج نشود. ابن گفت: ای عقبه من از تو راضی نمی‌شوم تا محنت را بیاوری و آب دهان بروی او بیندازی! عقبه همان کار را انجام داده مرتد شد. پیامبر اکرم «ص» بعقبه فرمود: در خارج مکه با مشیر سرت را جدا میکنم. پیامبر «ص» در جنگ بدر عقبه را کشت و در جنگ احد ابن بن خلف را کشت. در تفسیر مجمع البیان از ضحاک نقل کرده آب دهان عقبه که بصورت پیامبر «ص» میانداخت برگشت بصورت خود عقبه رسید و صورتش را سوزانید و تا مرگ او اثر آن در صورتش پیدا بود.

هان ای امت حزب الله و نسل جوان اگر از دشمنان اسلام و بوقهای آنان نسبت به مسئولین جمهوری اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی مدظله العالی اهانت و عبارات رکیک میشوند بیاد آورید آیات مذکور قرآن را که از اهانت و ایذاء و فحاشی به پیامبران اولوالعزم خدا حکایت دارند تا ناراحت نباشید و بدانید این دشمنان فحاش از نسل همان ناپاکان هستند. از خداوند سبحان خواهانیم بحضرت امام امت طول عمر و سلامت کامل مرحمت، مسئولین جمهوری اسلامی را بیش از پیش تأیید، رزمندگان اسلام را پیروز و درجات شهداء عزیز را متعالی فرماید بحق محمد وآله الطاهرین.